

نکته ۴:

مرحوم اصفهانی، اشکالی را (بر آنچه در بحث بعد از مرحوم آخوند خواهیم خواند) مطرح می‌کنند که می‌تواند «تمایز بین اراده استعمالی و اراده جدی» را با مشکل مواجه کند. ما حاصل فرمایش ایشان آن است که:

۱. وقتی متکلم می‌گوید اکرم العلما (در حالیکه می‌خواهد بعداً و در ضمن مخصص منفصل، بگوید که تنها اکرام علمای عدول واجب است)، اراده استعمالی اش، «اکرام همه علما» است ولی اراده جدی اش در برخی از علما (علمای عدول)، «اکرام» است و در برخی دیگر از علما (علمای فاسق)، «عدم اکرام» است.

۲. پس اگر از متکلم بپرسیم که چرا «اکرم العلما» را استعمال کرده است، می‌گوید در مورد برخی (علمای عادل) برای اینکه اکرام شوند و در مورد برخی (علمای فاسق)، برای اینکه به صورت قاعده، یک حکم آورده شود تا ذهن مخاطب آماده شود و بعد آنها را از شمول حکم خارج کند.

۳. اما مشکل اینجا است که نمی‌توان دو انگیزه مختلف را در حالیکه قدر جامع ندارند، علت استعمال دانست. «و أمّا لو لم یکن بعثاً حقیقیّاً بالإضافة إلی بعض الافراد مع کونه متعلّقاً به فی مرحلة الإنشاء فلازمه صدور الواحد عن داعیین بلا جهة جامعة تكون هو الداعی»^۱

ما می‌گوییم:

۱. اولاً: استعمال «اکرم العلما» در معنای عام در حالیکه دو داعی - که با هم قدر مشترک ندارند - در کنار هم انگیزه عمل شده‌اند، هیچ استحاله عقلی ندارد و لزومی ندارد که انگیزه متکلم به یک کلام، شی واحد (قدر جامع) باشد، چرا که انگیزه‌ها علت عقلی صدور امر و نهی نیستند بلکه مُعد هستند تا نفس، اوامر را صادر کند.

۲. ثانیاً: اگر هم بگوییم حتماً باید یک انگیزه در میان باشد، می‌گوییم:

در خطابات شرعی، چنانکه در بحث خطابات قانونیه گفته‌ایم، انگیزه شارع از چنین کلامی تنها جعل قانون است و جعل قانون با ورود مخصص منفصل کامل می‌شود.

نکته ۵:

درباره نحوه ارتباط عام و خاص با حقیقت و مجاز، مرحوم آخوند هم سخنی دارند که در بحث بعد مطرح می‌کنیم.

نکته ۶:

«مقدمات حکمت» در بحث مطلق و مقید همان «اصالة التطابق» در بحث عام و خاص است و فقط در هر مقام، با اصطلاح متفاوت به کار رفته است.

۱. نهاية الدراية، ج ۱، ص ۶۳۵



نکته ۷:

درس علاج اصل اتاؤ پید کن نین





